

ولایت کرمان در مطبوعات دوره قاجار پیش از مشروطه*

سید محمد طیبی^۱

چکیده

انتشار روزنامه‌ها در دوره قاجاریه باعث شد که بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اداری و نیز ابعاد گوناگون زندگی مردم در ولایات مختلف انعکاس یابد و دست کم قشر باسواد از وضعیت شهرهای گوناگون مطلع شوند. در این میان روزنامه‌هایی چون وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران، اخبار گوناگونی را از اوضاع شهرها ارائه کرده‌اند و از آن جمله به ولایت کرمان پرداخته‌اند. کرمان پیش از مشروطه بنا به دلایل گوناگونی زمینه‌ساز حرکت اجتماعی بود که سرانجام به مشروطه‌خواهی انجامید، از این رو علاوه بر منابع محلی این ولایت، روزنامه‌ها می‌توانند سیمای آن روزگار کرمان را نشان دهند. مسأله اصلی این مقاله بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی، امنیتی، دینی و مذهبی، فرهنگی، خدماتی، و نیز حوادث طبیعی کرمان از منظر مطبوعات دوره قاجاریه است. بررسی مطبوعات بر اساس روش پژوهش تاریخی و بر پایه تحلیل داده‌ها، نشان می‌دهد که اوضاع این ولایت در اخبار روزنامه‌های پیش از مشروطه به خوبی بازتاب داشته و می‌توان از طریق این منابع رخدادهای آن ولایت را بازشناسی کرد. واژگان کلیدی: ولایت کرمان، روزنامه‌ها، دوره قاجار، تاریخ اجتماعی - سیاسی.

Kerman Hinterland in the Press of the Qajar Period in the Pre-Constitutional Era

Seyyed Mohammad Tayebi²

Abstract

Publication of newspapers in the Qajar period reflected many social, cultural, economical, political, official problems and different aspects of people's lives in various hinterlands and helped at least the literate class become aware of the situation in different cities. Meanwhile, newspapers such as Vaghaye Etefaghiye and Dolat-e Alie Iran published differing news about the circumstances in cities (Kerman, in particular). For different reasons, Kerman of the pre-constitutional period set up the social movement which finally resulted in the constitutionalism. Therefore, in addition to the local sources of this hinterland, newspapers can also describe that epoch in Kerman. The basic problem of this article is to investigate political, economical, military, judicial, security, religious/theological, cultural, service situations and also the natural events of Kerman from the view point of printed matters of the Qajar period. Investigation of the printed matters according to the historical research and on the basis of data analysis indicates that conditions of this hinterland has been reflected clearly in the newspapers of the pre-constitutional period and from these sources the events of that hinterland can be reconsidered.

Keywords: Kerman hinterland, newspapers, Qajar period, social-political history

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان
*تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۱۸
2. Assistant Professor, Department of History Shahid Bahonar University of Kerman

مقدمه

انتشار روزنامه رسمی و دولتی به سبک و نظم نوین در صدارت امیرکبیر و سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۷ق/۱۸۵۰م) آغاز شد؛ از آن پس به تدریج و در بستر زمان بر کیفیت و کمیّت روزنامه‌ها دیگر افزوده شد. روزنامه‌ها علاوه بر پوشش اخبار و رخدادهای پایتخت، اخبار و رخدادهای ولایات، و حتی دیگر کشورها را به اختصار و در حد امکانات انعکاس می‌دادند.

تردیدی نیست که در بررسی و مطالعات پژوهشی ایران معاصر، مطبوعات با اشکال گوناگون‌شان از منابع اصلی به شمار می‌روند. تا آنجا که توجه و مراجعه به آنها در توصیف و تبیین همه‌جانبه و دقیق تحولات تاریخی برای پژوهشگران تاریخ‌گریزنپذیر است. این نیاز، به ویژه در بررسی و پژوهش پیرامون تواریخ محلی و منطقه‌ای ضرورت بیشتر پیدا می‌کند؛ چرا که تا وقوع انقلاب مشروطه در کمتر ولایتی روزنامه مستقل و محلی دیده می‌شد. لذا می‌بایست بخشی از داده‌ها و اطلاعات خود را در پژوهش‌های مرتبط با تواریخ محلی معاصر از مطبوعات منتشر شده رسمی و دولتی در مرکز که اطلاعاتی از ولایات به آنها ارسال گردیده، استخراج شود. گرچه گزارش‌های مزبور منظم، دقیق، مستمر و بیطرفانه نبوده و عمده مطالب آنها معطوف به کارکرد کارگزاران، توجیه اقدام‌های آنان و کتمان برخی حقایق آمیخته شده است. بنابراین با عطف به موارد ذکر شده، نگاه و نگرش به این بخش از منابع مکتوب، بایستی با احتیاط توأم باشد.

در مقاله حاضر سعی بر آن بوده تا مسائل، وقایع، حوادث، کارکردها و اقدام‌های کارگزاران ولایت کرمان از لابلای روزنامه‌های رسمی و معدود جراید دیگر در دوره قاجار - تا وقوع انقلاب مشروطه - استخراج، توصیف و تبیین شود. این موضوعی است که با توجه به بررسی‌های انجام یافته تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، لذا پرداختن به آن در ابهام‌زدایی و شفاف‌سازی زوایای تاریخ محلی معاصر کرمان کمک خواهد کرد. با توجه به داده‌های موجود یافته‌ها در چندین مبحث، و به شرحی که خواهد آمد، به نگارش درآمده است.

مقامات حکومتی و مسئولیت‌ها

بالاترین مقام ولایت کرمان توسط شاه انتخاب، اعزام و تعویض می‌شد. از مقام مزبور با عناوین والی، حاکم، حکمران و نیز والی ایالت کرمان و بلوچستان یاد شده است.^۳ والی به عنوان نماینده

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳). نمره ۱۲۱، سال ۱۲۶۹ق؛ همان، نمره ۲۰۰، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰). نمره ۵۳۱، سال ۱۲۷۹ق.

ولایت کرمان در مطبوعات دوره قاجار پیش از مشروطه / ۱۰۳

دولت و منصوب شاه، دخالت در تمامی امور جزئی و کلی ولایت را وظیفه خود می‌پنداشت. از مجموعه گزارش‌های موجود در روزنامه‌ها، وظایف و اقدام‌های والی یا حکمران را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱. پشتیبانی امکانات، نظارت و اعزام قشون و نظامیان به مأموریت.
۲. دادرسی و دادخواهی از مردم و دادخواهان در برخی مواقع.
۳. تعیین حکام و مسئولان شهرها و نواحی زیر مجموعه ولایت.
۴. تلاش در ایجاد امنیت عمومی.
۵. سرکشی و بازدید از مناطق و نواحی زیرمجموعه فرمانروایی.
۶. درخواست خلعت از شاه برای صاحب‌منصبان و دیگر افرادی که در ولایت خدمات ارزنده‌ای انجام می‌دادند.

۷. اعطای هدیه و مورد تفقد قرارداد ریش‌سفیدان، کلانتران، خوانین و کدخدایانی که وفاداری، صداقت و تبعیت خود را به حاکمیت و والی به اثبات رسانده بودند.

۸. نظارت کلی بر امور اقتصادی، و درموردی درخواست عفو، یا تمدید زمان پرداخت مالیات از مقامات مملکتی و ابلاغ آن به مؤدیان مالیاتی.^۴

از محاکمه و تنبیه والیان توسط مقامات عالی‌مملکتی گزارشی در دست نیست؛ لیکن بارها از تشویق و مورد لطف قرار گرفتن آنان و خدماتشان توسط شخص شاه، با اعطای خلعت، شمشیرهای مرصع و نیز هدیه لباس نظامی مخصوص تن شاه یاد شده است. در چند کیلومتری خارج از شهر، والی، اعیان، رجال و کارگزاران شهر از هدیه یا هدایای ارسالی شاه استقبال به عمل می‌آوردند؛ سپس طی مراسم ویژه‌ای در جمع مقامات شهری خلعت و لباس زیب دوش و شمشیر به کمر بسته می‌شد.^۵

وزیر (وکیل‌الملک) به عنوان دومین مقام سیاسی و حکومتی ولایت، مورد تأیید مقامات مرکزی و تحت نظر والی بود. او امور و وظایف حکومتی را به نیابت از والی، در مقر حکومت و گاه به عنوان

۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۶۹، سال ۱۲۶۸ق؛ همان، نمره ۱۳۱، سال ۱۲۶۹ق؛ همان، نمره ۱۲، سال ۱۲۶۹ق؛ همان، نمره ۴۳۴، سال ۱۲۷۵ق؛ همان، نمره ۱۲۱، سال ۱۲۶۹ق؛ همان، نمره ۲۰۰، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه ایران، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵). نمره ۴۹۸، سال ۱۲۹۹ق؛ همان، نمره ۴۶۲، سال ۱۲۹۸ق؛ همان، ۵۱۷، سال ۱۳۰۰ق.

۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۵۳، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه ایران، نمره ۴۳۵، ۱۲۹۷ق؛ همان، نمره ۵۲۷، سال ۱۳۰۰ق؛ نمره ۵۲۹، سال ۱۳۰۱ق.

مأموریت در نواحی زیرمجموعه ولایت فیصله می‌بخشید. موارد زیر از جمله وظایف محول شده و یا تحقق یافته آن مقام بود:

۱. تلاش برای برقراری و ایجاد امنیت عمومی.
۲. نظارت بر امور مالیاتی، وصول مالیات از مسئولان و محاسبه دفترهای دیوانی.
۳. نظارت و ایجاد انتظام در خالصه‌جات دولتی.
۴. نظارت و بررسی عملکرد ضابطان مالیاتی، کلانتران و کدخدایان و در مواردی تنبیه، برخورد و یا عزل آنان در صورت تخلف از وظایف و یا نارضایتی مردمی.
۵. دادرسی عمومی و شنیدن شکایات دادخواهان و فیصله امور آنها.
۶. انجام مأموریت‌های سیاسی، اداری، اقتصادی و نظامی در شهرها، بلوکات و نواحی مختلف زیرمجموعه حکومتی.^۶

از دیگر مقام‌های سیاسی و حکومتی کرمان که روزنامه‌ها با توجه به تقدّم و منزلت جایگاه از آنها نام برده‌اند، می‌توان به نایب‌الحکومه بلوچستان، حکام شهرها، خوانین، کلانتران و کدخدایان اشاره کرد. این مقام‌ها به عنوان عامل و رابط میان مردم با والی و نایب‌الحکومه عمل می‌کردند. به عبارت دیگر آنان دستیاران و مجریان فرمان‌ها و نماینده اقتدار والی، در شهرها، محله‌ها، روستاها و در میان قبایل و عشایر بودند.^۷ از آنجا که گزارش‌های ارسالی به مرکز، به طور عمده حول محور و شخصیت والی و وزیر انعکاس دارد، از تبلور مسئولیت‌ها، اقدام‌ها و کارکردهای مقامات مورد بحث، مطلب در خور اهمیت و قابل توجه، به جز موارد اندک که در مبحث قضایی به آن اشاره خواهد شد، موجود نیست.

امور اقتصادی

همانگونه که پیشتر اشاره شد، والی بالاترین مقام اقتصادی ولایت بود. او نظارت عالی بر درآمدها، نحوه هزینه آنها و در شرایط بحرانی و اوضاع نابسامان اقتصادی، درخواست عفو و یا تمدید زمان

۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۶۸، سال ۱۲۷۶ق؛ همان، نمره ۲۹۶، سال ۱۲۹۳ق؛ نمره ۲۴۵، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۶۰۵، سال ۱۳۰۲ق؛ نمره ۵۱۱، سال ۱۳۰۰ق؛ نمره ۳۰۹، سال ۱۲۹۴ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۵، سال ۱۲۷۸ق؛ همان، نمره ۴۷۹، سال ۱۲۷۷ق؛ نمره ۵۳۱، سال ۱۲۷۹ق.

۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۹۵، سال ۱۲۷۲ق؛ همان، نمره ۲۳۶، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۴۸، سال

پرداخت مالیات و ابلاغ آن به مردم را بر عهده داشت.^۸ وزیر (وکیل‌الملک) به عنوان مشاور اصلی و معاونت اقتصادی مالی به اتفاق جمعی دستیار و مستوفی ناظر عملکرد ضابطان و مباشران منصوب، و حسابرسی از آنها بود. چنانچه در پایان سال مالی، از عملکرد کارگزاران اقتصادی رضایتمندی حاصل می‌شد، با تعیین و ابلاغ دستورالعمل جدید مالیاتی برای سال بعد ابقا می‌گردیدند. لیکن در مواردی معدود نیز به دلیل اهمال، خلاف کاری و یا نارضایتی جدی مردم، از خدمت منفصل و افراد دیگری گزینش می‌شدند. از وزرای فعال در امور اقتصادی و حسابرسی می‌توان به میرزا شفیق، میرزا کاظم‌خان و محمد اسماعیل‌خان اشاره کرد.^۹

پیشکار مالیه به عنوان فرد منتخب و مورد تأیید مقامات عالی‌مملکت و ولایت، در دفترخانه‌ای مخصوص به اتفاق جمعی مستوفی و حسابرس به بررسی و انعقاد معاملات و داد و ستدهای دیوانی، اخذ و صدور حواله‌جات، نگهداری وجوه و درآمدها، رساندن وجوه اقساط و بدهی‌ها و تسویه حساب مباشران و ضابطان اشتغال داشت. مرز دقیق وظایف پیشکار مالیه با وزیر (وکیل‌الملک) مشخص نیست، لیکن استنباط می‌شود که او به عنوان یک متخصص، نه تنها در امور کسب درآمدها همیار وزیر بود، بلکه در نحوه مخارج و هزینه‌های حکومتی، بررسی جزئی درآمدها و مخارج و نگهداری وجوه و درآمدها، مسئولیت و نظارت داشته است. میرزا اسدالله‌خان و میرزا محمد از پیشکاران مالی مشهور در آن دوره در کرمان بودند.^{۱۰}

رئیس‌التجار (ملک‌التجار) هفته‌ای دو روز در مجلسی موسوم به مجلس تجار (تجارت) به امور مربوط به اصناف و بازرگانان رسیدگی می‌کرد. در گزارش‌های موجود به شرح وظایف، چگونگی طرح مسائل و مشکلات، مصادیق مورد رسیدگی و احکام صادره مقام مزبور اعتناء نشده است. روزنامه‌های مورد بررسی در این تحقیق، از میرزا محمدخان و آقاسید عبدالرحیم نیز به عنوان رؤسای مجلس تجار در کرمان نام برده‌اند.^{۱۱}

مباشران از دیگر دست‌اندرکاران اقتصاد دولتی در نواحی و مناطق بودند. آنان بیشتر از میان افراد

۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۸۶، سال ۱۲۷۰ق؛ همان، نمره ۷۴، سال ۱۲۶۸ق؛ نمره ۱۹۱، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۲۶، سال ۱۳۰۰ق.

۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۳۱، سال ۱۲۷۵ق؛ نمره ۱۸۶، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۲۲۵، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه ایران، نمره ۶۱۱، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۵۳۷، سال ۱۳۰۲ق.

۱۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۳۱، سال ۱۲۷۴ق؛ نمره ۳۱۳، سال ۱۲۷۳ق؛ نمره ۳۷۴، سال ۱۲۷۴ق؛ نمره ۳۳۹، سال ۱۲۷۳ق؛ نمره ۴۱۱، سال ۱۲۷۵ق.

۱۱. روزنامه ایران، نمره ۵۴۴، سال ۱۳۰۱ق؛ نمره ۲۷۴، سال ۱۲۹۵ق؛ نمره ۵۶۸، سال ۱۳۰۲ق؛ نمره ۳۶۵، سال ۱۲۹۵ق؛ نمره ۶۳۵، سال ۱۳۰۴ق.

شاخص و مورد اعتماد گزینش می‌شدند. استنباط می‌شود که مباشرت آنها به طور عمده در حوزه خالصه‌جات دولتی بوده است. در باب عملکرد مباشران مطلب قابل توجهی در دسترس نیست، اما در دستورالعمل‌های صادره مقامات عالی‌ و ولایت، آنان موظف بودند تا نسبت به مردم منصفانه رفتار کرده و با رفتارهای خودسرانه موجبات فقر و فلاکت آنان را فراهم نسازند. مباشران در پایان هر سال موظف به تسویه حساب و نیز ابلاغ و اعمال دستورالعمل سال جدید بودند.^{۱۲}

ضابطان از دیگر مسئولان و نمایندگان دین پایه اقتصادی دولت در نواحی و مناطق بودند. آنان توسط والی و یا با نظر و مشورت با او تعیین و انتخاب می‌شدند. ضابطان موظف بودند تا طبق دستورالعمل‌های سالانه، حقوق معین مالیاتی دولت را از رعیت جمع‌آوری، و در پایان هر سال با پیشکار مالیه در مقر ولایت تسویه حساب کنند. اجرای دقیق و به موقع بخشنامه‌های مالیاتی، تحویل وجوهات حاصله، و کمابیش رضایت مردم از عوامل مهم در گزینش دوباره به مسئولیت یاد شده بود.^{۱۳}

عمده درآمدهای دولتی از مالیات‌های سالانه از اقشار و طبقات مختلف مردم و نیز درآمدهای گسترده خالصه‌جات دولتی بدست می‌آمد. در اراضی خالصه انواع محصولات - اعم از غلات، صیفی‌جات، و کمابیش تریاک و برنج - کاشته می‌شد.^{۱۴} درآمدهای مردم بیشتر وابسته به آب و زمین و انواع غلات، صیفی‌جات، محصولات سردرختی و میوه‌جات، پرورش دام، تجارت، پيله‌وری و بافندگی بود. شال‌های تولیدی در شهر کرمان از لحاظ مرغوبیت با شال‌های کشمیری رقابت می‌کرد. شال‌های مزبور همواره توجه مقامات عالی محلی و مملکتی را به خود جلب می‌کرد و دارای مشتری فراوان در داخل کشور بود.^{۱۵}

۱۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۲، سال ۱۲۶۸ق؛ نمره ۵۲، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۲۱، سال ۱۳۰۰ق.
۱۳. همان، نمره ۴۷۶، سال ۱۲۷۷ق؛ نمره ۴۸۴، سال ۱۲۹۹ق؛ نمره ۲۸۵، سال ۱۲۹۳ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۲۵، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۷۴، سال ۱۲۶۸ق.
۱۴. همان، نمره ۱۳، سال ۱۲۶۷ق؛ روزنامه ایران، نمره ۲۹۷، سال ۱۲۷۲ق؛ نمره ۲۴۵، سال ۱۲۹۲ق.
۱۵. همان، نمره ۲۹۷، سال ۱۲۷۲ق؛ نمره ۵۴۵، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۵۵۱، سال ۱۳۰۱ق؛ نمره ۵۵۳، سال ۱۳۰۱ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۱۹۳، سال ۱۲۷۱ق. یکی از مهم‌ترین صنایع دستی کرمان، بافندگی به ویژه شال باقی و قالی باقی بود که صاحبان این حرفه‌ها، رابطه مستقیم با حوادث سیاسی کرمان در انقلاب مشروطه داشتند. لردکرزن از دوازده هزار کارخانه شال باقی که در هر کارخانه دو نفر مشغول نساجی بودند و اینکه شال کرمانی رقیب شال کشمیر است خبر می‌دهد؛ جرج ناتانیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی (تهران: مؤسسه انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۲۹۹. اوج فعالیت سیاسی شالبافان را می‌توان در قیام علی محمد شالباف مشهور به علی محمدخان دید. این قیام که دامنه وسیعی داشت صنف شالباف کرمانی را در صدر قیام کنندگان قرار داد؛ برای آگاهی از این قیام، نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، فرمانفرمای عالم (تهران: علمی، ۱۳۶۴)، ص ۳۰۳-۱۶۳.

نرخ گذاری اجناس متناسب با مایحتاج عمومی در هر فصل انجام می گرفت. کسبه ملزم به رعایت دقیق نرخ های اعلام شده بودند و در صورت تخلف مجازات می شدند. اجناس مشمول نرخ گذاری گاه بالغ بر ۲۲ قلم بود. از مهم ترین آنها می توان به گندم، جو، برنج، روغن، کاه، گوشت، قند و نبات، زغال، کرک و پشم، زیره و هیزم اشاره کرد.^{۱۶} اوزان و سنگ های داد و ستد کسبه و اصناف، هر از چند گاه مورد سنجش و بررسی قرار گرفته و با اوزان سنگ های مورد اعتماد (سنگ های ضرابخانه) محک می خورد که در صورت اختلاف، از عرصه داد و ستد خارج و سنگ جدید مورد تأیید ضرابخانه جایگزین می گردید.^{۱۷} چنانچه به هر دلیل قوت غالب مردم - به ویژه نان - با کمبود مواجه می شد، به فرمان والی از انبارهای دولتی گندم کافی در اختیار نانویان قرار می گرفت.^{۱۸}

گاه مسئولان عالیله ولایت با در اختیار قرار دادن امکانات به کمک مردمی می آمدند که به لحاظ فقر اقتصادی قادر به تعمیر و لایروبی قنوات مخروب خود نبودند.^{۱۹} آنان همچنین مردم را به احیاء اراضی و کاشت درختان مثمر - به ویژه درختان مرکبات و نخیلات در مناطق گرمسیری - تشویق و برخی مواقع نهال مجانی در اختیار آنان قرار می دادند. در راستای ترغیب هر چه بیشتر مردم در این عرصه تأکید می شد که هر کس به کاشت درختان مثمر و احداث باغ اقدام کند به مدت پانزده سال از تحمیلات دیوانی و پرداخت مالیات به دولت معاف خواهد بود. افراد فاقد زمین نیز می توانستند به شکل نیمه کار (نصفه کار) در اراضی دولتی به این کار مبادرت کنند.^{۲۰} تشویق کشاورزان اراضی و خالصه جات دولتی نیز در دستور کار مقامات عالیله قرار داشت.^{۲۱} تجار، بازاریان و صاحبان کارگاه ها مورد عنایت مسئولان ارشد ولایت بودند. والی گاه از کاروانسراها، حجره ها و کارگاه ها بازدید به عمل می آورد و در ضمن آن دستورالعمل های لازم را برای فعالیت بیشتر، عرضه تولیدات متنوع و رعایت حقوق کودکان کارگر و شاگرد - و اجازه سوادآموزی به آنها حداقل یک ساعت در روز - صادر و ارائه می کرد.^{۲۲}

۱۶. روزنامه ایران، نمره ۵۸۷، سال ۱۳۰۳ق؛ نمره ۶۰۲، سال ۱۳۰۳ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۱۱، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۳۹۸، سال ۱۲۷۵ق.

۱۷. همان، نمره ۱۰۱، سال ۱۲۶۹ق؛ روزنامه ایران، نمره ۴۰۳، سال ۱۲۹۶ق.

۱۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۷۳، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۲۳۶، سال ۱۲۷۱ق.

۱۹. روزنامه ایران، نمره ۲۴۵، سال ۱۲۹۲ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۸۲، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۲۳۶، سال ۱۲۷۱ق.

۲۰. همان، نمره ۶۹، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق.

۲۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۰۵، سال ۱۲۶۹ق.

۲۲. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۸۲، سال ۱۲۷۳ق؛ روزنامه ایران، نمره ۴۰۳، سال ۱۲۹۶ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۶۹، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۱۹۳، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۳۶۹، سال ۱۲۷۴ق؛ نمره ۱۸۲، سال ۱۲۷۰ق.

فقرزدایی و رسیدگی به فقرا نیز گاه مورد عنایت والی قرار می‌گرفت. در گزارشی مربوط به سال ۱۳۱۹ قمری آمده است که والی فرمان داد تا فقرای سائل را جمع‌آوری کنند. پس از بررسی‌های لازم، افرادی که سالم و توانایی کار داشتند و ادار به کار، و افراد فاقد توانایی را با کمک اقتصادی مورد توجه و عنایت مالی قرار داد.^{۲۳}

عفو مالیاتی و اعطای فرصت و زمان بیشتر در پرداخت مالیات از سوی والی نیز کمابیش در دستور کار قرار داشت. این اقدام در شرایط، قحطی، سیل‌زدگی، سرمازدگی، آفت‌زدگی محصولات و دیگر خسارت‌ها تحقق می‌یافت.^{۲۴}

ولایت کرمان در عرصهٔ مایحتاج عمومی - به ویژه مواد خوراکی - خودکفایی مطلوب و مؤثر نداشت. گزارش‌ها دلالت بر آن دارد که اهالی کرمان از مناطق و نواحی فارس، خراسان و بندر جنوبی مایحتاج عمومی و نیازهای خوراکی را وارد می‌کردند.^{۲۵}

از پول‌های رایج در ولایت کرمان تحت عنوان قران و پناه‌آباد یاد شده است. اما بعد از مدتی پناه‌آباد جمع‌آوری و معدوم، و به جای آن نیم قران و ربع رقان ضرب و رایج شد. کسانی که پول تقلبی ضرب می‌کردند، با شیوه‌هایی چون حبس و نفی بلد مجازات می‌شدند. ضرب غیرمجاز سکه باعث می‌شد که به مسئولان ضرابخانه مکرر تأکید و یادآوری شود تا پول‌هایی سفید از نقرهٔ خالص و خالی از غش ضرب کنند.^{۲۶}

امور قضایی و دادرسی

یکی از کارکردهای بارز والی و وزیر او (وکیل‌الملک)، دادرسی و دادخواهی از مردم بود. این اقدام علاوه بر اهالی شهر کرمان مشمول مردمی می‌شد که از شهرها و نواحی زیرمجموعهٔ فرمانروایی با مراجعهٔ شخصی، و یا در قالب تلگراف، نامه‌ها و شکایات مکتوب به دادخواهی می‌آمدند. در نحوهٔ دادرسی و بررسی عرایض و شکایات، گاه والی و وزیر - به اتفاق هم - و به همراه عده‌ای

۲۳. نشریهٔ تربیت، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶)، نشریهٔ تربیت، نمرهٔ ۲۳۹، سال ۱۳۱۹ ق.

۲۴. روزنامهٔ ایران، نمرهٔ ۵۹۲، سال ۱۳۰۳ ق؛ نمرهٔ ۲۴۵، سال ۱۲۹۳ ق؛ نمرهٔ ۴۷۴، سال ۱۲۹۹ ق؛ روزنامهٔ وقایع اتفاقیه، نمرهٔ ۱۹۳، سال ۱۲۷۱ ق؛ نمرهٔ ۱۸۶، سال ۱۲۷۰ ق؛ نمرهٔ ۲۱۱، سال ۱۲۷۱ ق.

۲۵. همان، نمرهٔ ۱۷۳، سال ۱۲۷۰ ق.

۲۶. روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران، نمرهٔ ۴۹۵، سال ۱۲۷۸ ق؛ روزنامهٔ ایران، نمرهٔ ۵۸۱، سال ۱۳۰۲ ق؛ روزنامهٔ وقایع اتفاقیه، نمرهٔ ۱۱۱، سال ۱۲۶۹ ق.

دستیار در دیوانخانه و یا مکان عمومی دیگر مانند باغی موسوم به باغ گلشن، حضور می‌یافتند. اما در بیشتر اوقات مسئولیت مزبور بر دوش وزیر بود. زمان دادرسی مشخص نبود؛ در شرایطی هر روز از صبح تا ظهر، و یا تا پاسی گذشته از شب و گاه هر چند مدت یک بار تعیین می‌شد. مراجعان و دادخواهان بدون ممانعت و مزاحمت - البته با نظم خاص - عرایض شفاهی و کتبی خود را عرضه می‌داشتند. متأسفانه در ارتباط با ماهیت و کیفیت عرایض و نیز احکام و دستورات صادره قضایی، گزارش قابل تأمل و توجهی مشهود نیست.^{۲۷}

دیوان‌بینگی از دیگر شخصیت‌هایی بود که در امور حقوقی و دادرسی مسئولیت داشت. او تحت عنوان امین دیوانخانه مبارکه و امین عدلیه - به اتفاق یک منشی - سه روز در هفته و در محلی موسوم به دیوانخانه به عرایض و شکایات عارضان رسیدگی و احکام لازم را صادر می‌کرد.^{۲۸} از دیوان‌بینگان کرمان که اسامی آنها در روزنامه‌های اواخر قرن سیزدهم قمری ذکر شده می‌توان به حاجی اصلان‌خان و حاجی میرزا قاسم اشاره کرد.

در گزارش‌های موجود پیرامون وظایف و اقدام‌های محاضر شرع و علمای دینی در حوزه قضایی و دادرسی، به اختصار از ارجاع دعاوی خانوادگی و ملکی و فیصله آنها و نیز مهمور شدن مصالحه‌نامه و معاملات ملکی به مهر آنها سخن به میان آمده است که در اسناد خانوادگی نیز مشهود است.^{۲۹}

از دستورالعمل‌های حقوقی و قضایی صادره از مرکز، از دستورالعملی تحت عنوان «دستورالعمل کتابچه قانونی» یاد شده است، والی در ابلاغ و اعلان فرمان مزبور - بدون ذکر مفاد و نکات آن - تنها بر اجرای یکی از مفاد آن تأکید می‌کرد: هر کس کلاه خود را از آنچه در کتابچه مقرر است کوتاه نماید مؤاخذه خواهد شد.^{۳۰}

کدخدایان و داروغه‌ها از جمله مسئولان مرتبط و همیار با امور قضایی بودند. کدخدایان مسئولیت ایجاد امنیت در محله‌ها، روستاها، دستگیری سارقان و تسلیم آنها به مقامات و محاکم رسمی را بر عهده داشتند. چنانچه در محدوده مسئولیت آنان اموالی به سرقت می‌رفت، آنان موظف بودند که به مدت ده روز سارق را دستگیر و اموال مسروقه را به صاحبان برگردانند. پی‌آمد عدم توفیق در این

۲۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۶۵، سال ۱۲۷۶ق؛ همان، نمره ۱۳۱، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۲۲۸، سال ۱۲۷۲ق؛ روزنامه ایران،

نمره ۲۸۹، سال ۱۲۹۳ق؛ همان، نمره ۶۰۹، سال ۱۳۰۳ق؛ نشریه تربیت، نمره ۳۳۰، سال ۱۳۲۲ق.

۲۸. روزنامه ایران، نمره ۲۸۵، سال ۱۲۹۳ق.

۲۹. روزنامه ایران، نمره ۴۹۸، سال ۱۲۹۹ق.

۳۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۷۷، سال ۱۲۷۰ق.

امر، پرداخت بهای اموال - از جیب شخصی - به مال باختگان بود.^{۳۱} از وظایف منعکس شده داروغه‌ها می‌توان به پاسداری آنان از محله‌ها و بازارها - به ویژه هنگام شب - و نیز همکاری و همیاری آنان با کدخدایان در ایجاد امنیت، پیشگیری از سرقت و پیدا کردن اموال مسروقه اشاره کرد.^{۳۲}

سارقان و راهزنان را برای مجازات به مقامات عالی‌حکومتی می‌سپردند. مقامات مزبور ضمن محاکمه و استرداد اموال مسروقه آنان را متناسب با جرم، در منظر عموم و میدان اصلی شهر، به شیوه‌هایی چون حبس، قطع عضو بدن مانند دست، پا و گوش، مهار کردن، کشتن با گلوله و انداختن جنازه آنها در چاه مجازات می‌کردند.^{۳۳}

قاتلان و آدمکشان را نخست به زندان می‌انداختند. پس از بررسی و تحقیق لازم جلسه محاکمه در محضر والی و مقامات مسئول برگزار و بر مبنای اصول مطاع شرع حکم صادر می‌گردید. به طور متعارف حکم قصاص را شخص والی صادر، و عوامل اجرای احکام به اجرا می‌گذاشتند. اگر قتل غیر عمد تشخیص داده می‌شد، قصاص صورت نمی‌گرفت.^{۳۴}

از جرائم اجتماعی دیگر - که به نمونه‌هایی از آن اشاره شده - شراب‌خواری است. چنانچه شرب خمر منجر به بدمستی، شرارت و سلب آسایش مردم می‌گردید، فرد شراب‌خوار دستگیر و موضوع به مقام عالی شهر گزارش می‌شد. مجرمان مزبور را به خوردن شلاق، حبس و اخراج از شهر و محل زندگی محکوم می‌کردند.^{۳۵} سوء استفاده مالی و پولی از مهر دیگران ممنوع و جعل آن جرم و مجازات زندان را در پی داشت.^{۳۶}

اوضاع پزشکی و بهداشتی

حوزه سلامت عمومی و مباحث مرتبط با آن در مطبوعات از انعکاس ویژه‌ای برخوردار بوده است. با

۳۱. همان، نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه ایران، نمره ۶۰۹، سال ۱۳۰۳ق؛ همان، نمره ۲۷۶، سال ۱۲۷۷ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق.

۳۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق؛ همان، نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق؛ روزنامه ایران، نمره ۲۷۶، سال ۱۲۷۷ق؛ همان، نمره ۳۲۴، سال ۱۲۹۴ق؛ نمره ۳۰۹، سال ۱۲۹۴ق؛ نمره ۵۸۲، سال ۱۳۰۲ق.

۳۳. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۳۶، سال ۱۲۷۹ق؛ همان، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق.

۳۴. روزنامه ایران، نمره ۵۸۸، سال ۱۳۰۳ق؛ همان، نمره ۲۶۹، سال ۱۲۹۹ق؛ نمره ۳۴۲، سال ۱۲۹۵ق؛ نمره ۱۹، سال ۱۳۰۴ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۱، سال ۱۲۶۸ق.

۳۵. همان، نمره ۱۰۷، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۱۷۹، سال ۱۲۷۰ق.

۳۶. روزنامه ایران، نمره ۱۰، سال ۱۳۰۳ق.

شیوع امراض در فصل‌های خاصی از سال و در پی داشتن زیان‌های حتمی، موضوع در کانون توجه کارگزاران ولایت قرار می‌گرفت. از امراض و ناخوشی‌های مورد گزارش و مبتلا به مردم می‌توان از وبا، تب نوبه، آبله، سرخجه، درد گلو، قی و اسهال یاد کرد. امراض مزبور بیشتر در فصول گرم شیوع می‌یافت و کمابیش با تلفات و نقص عضو همراه بود.^{۳۷}

در چگونگی مقابله و درمان امراض یاد شده، در حد امکان از سوی حاکمیت و مسئولان اقدام‌ها و راهکارهایی عمل و پیشنهاد می‌شد. در پیشگیری و درمان بیماری مهلک و با اقدام‌هایی چون قرنطینه شهر، تخلیه ساکنان شهر، دفن فوری و مخفی اموات مبتلا به، پاشیدن آب آهک در مناطق مختلف شهر - به ویژه در مناطق غیر بهداشتی - دادن غذا و خوراک به مبتلایان فقیر انجام می‌گرفت.^{۳۸} در پیشگیری از مرض آبله بر آبله‌کوبی اطفال تأکید می‌شد. لیکن در مواردی به لحاظ کم دقتی مأموران آبله‌کوب، ناخوشی مزبور بروز و موجبات مرگ و نابینایی افرادی - از جمله کودکان - را در پی داشت.^{۳۹} درد گلو را با گذاشتن یخ در گلو و استعمال برخی داروها - که به صراحت از نوع آنها ذکر می‌شود - نیامده و نیز داغ کردن زخم میان گلو درمان می‌کردند.^{۴۰} تجویز داروی گنه گنه (نخود گنه گنه) و انداختن زالو در مداوای برخی امراض - بدون ذکر مرض - گزارش شده است.^{۴۱} راه درمان افراد مصدوم و دچار کوفتگی شدید بدن را تا فصد و رگ زدن می‌دانستند.^{۴۲}

مسئولان حکومتی در پیشگیری از امراض اهتمام داشتند و گاه در این ارتباط دستوراتی را مبنی بر نظافت شهر از زباله و آشغال‌ها و تخلیه آنها در بیرون شهر، تعویض و تخلیه آب حمام‌ها صادر می‌کردند.^{۴۳} مطبوعات از وجود یا عدم بیمارستان سخن به میان نیاورده‌اند. اگرچه روزنامه‌ها از مریضخانه‌های کرمانی ذکر نکرده‌اند، اما مرآت‌الوقایع مظفری از تأسیس مریضخانه کرمان توسط بهجت‌الملک امیر تومان نایب‌الایاله کرمان و بلوچستان،^{۴۴} در شهر کرمان خبر می‌دهد:

۳۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۴۷، سال ۱۲۷۰ق؛ همان، نمره ۵۲، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه ایران، نمره ۶۰۹، سال ۱۳۰۳ق؛ نمره ۵۲۶، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۴۸۵، سال ۱۲۹۹ق؛ نشریه تربیت، نمره ۳۴۲، سال ۱۳۲۲ق.

۳۸. همان، نمره ۳۴۳، سال ۱۳۲۲ق.

۳۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۲، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه ایران، نمره ۳۳۳، سال ۱۳۰۴ق؛ همان، نمره ۵۵۱، سال ۱۳۰۱ق.

۴۰. همان، نمره ۵۲۸، سال ۱۳۰۰ق؛ نمره ۴۳۶، سال ۱۲۹۷ق.

۴۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۱۰، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۴۳، سال ۱۳۰۱ق.

۴۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۶، سال ۱۲۶۹ق.

۴۳. نشریه تربیت، نمره ۲۳۹، سال ۱۳۱۹ق.

۴۴. وی تنها چند روزی به جای میرزا فتحعلی خان صاحب‌دیوان نایب‌الایاله بود و پس از وی حاجی غلامرضا خان شهاب‌الملک (آصف‌الوله) به حکومت کرمان رسید. احمدعلی خان وزیر، تاریخ کرمان، ج ۲، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: علمی، ۱۳۷۵)، ص ۸۳۰.

«[وی مریضخانه را] برای مرضای فقرا در داخله ارگ حکومتی ایجاد کرد که شامل بیست دست رختخواب و ادویه‌جات و عمله‌جات بود. در ماه ربیع الثانی هزار و سیصد و پانزده به اتمام رسید. طبیب مریضخانه حاجی محمود خان کرمانی است.»^{۴۵} تنها نشریه تربیت در گزارشی مربوط به سال ۱۳۲۲ قمری از مریضخانه انگلیسیان در کرمان یاد کرده است.^{۴۶}

پزشکان با عناوین حافظ الصّحّه، طبیب و حکیم صاحب اشتهار داشتند. عبدالرضا خان و میرزا نصرالله خان از پزشکان مشهور کرمان بودند. آنان ضمن اشتغال به امر طبابت و نظارت بر امور بهداشتی، و پیشگیری از امراض در مقر حکومت، به دستور والی، به مناطق و شهرهایی که نیاز مبرم به پزشک پیدا می‌کرد، نیز اعزام می‌شدند.^{۴۷} در گزارشی مربوط به سال ۱۳۲۲ قمری از پزشکی انگلیسی و دارای مذهب مسیحی پروتستان یاد شده، که به اتفاق همسرش - که او نیز طبیب بوده - در شهر کرمان به مداوای بیماران - به ویژه بیماری وبا - اشتغال و تلاش شبانه‌روزی داشته‌اند.^{۴۸} از موارد قابل توجه دیگر در مطبوعات، برخورد با پزشکان قلبی و مدعی علم پزشکی است. دانش مدعیان مزبور توسط افراد خبیر و صاحب صلاحیت بررسی، و در صورت کذب ادعا از طبابت آنها جلوگیری می‌شد.^{۴۹}

امور نظامی

نظامیان و صاحب‌منصبان نظامی در جامعه کرمان دوره ناصری با عنوان‌هایی چون سردار، سرتیپ، سرهنگ، توپچی و نایب توپخانه، مشّاق، لشکرنویس، یاور، مأمور مخزن تدارکات، سلطان و سرباز یاد می‌شدند. برخی از حکمرانان کرمان به سردار و سپهدار ملقب بودند، محمدحسن خان سردار ایروانی و غلامحسین خان سپهدار از آن جمله‌اند و حبیب‌الله خان امیر توپخانه نیز سه سال (۱۲۶۲ - ۱۲۵۹ ق) حکمران کرمان بود.^{۵۰} سردار ایروانی این لقب را در جنگ‌های روسیه با ایران به‌دست آورده بود. سردار مسئولیت پشتیبانی و تدارکات، نظارت، سرکشی و اعزام نیروها و نظامیان را به

۴۵. عبدالحسین خان سپهر، مرآت‌الوقایع مظفری، ج ۱، تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ص ۱۱۵.

۴۶. نشریه تربیت، نمره ۴۳۴، سال ۱۳۲۲ ق.

۴۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۶، سال ۱۲۶۹ ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۲۸، سال ۱۳۰۰ ق؛ نمره ۵۳۴، سال ۱۳۰۱ ق؛ نمره ۵۵۱،

سال ۱۳۰۱ ق.

۴۸. نشریه تربیت، نمره ۳۴۳، سال ۱۳۲۲ ق.

۴۹. روزنامه ایران، نمره ۳۶۶، سال ۱۲۹۵ ق.

۵۰. وزیری، ج ۲، ص ۸۷۴، توضیحات باستانی پاریزی.

مناطق مختلف بر عهده داشت. سرتیپ مسئول و فرمانده فوج نظامی بود و در مواردی به فرمانده مزبور وظایف سیاسی و اقتصادی - که منافات چندانی با شوون نظامی او نیز نداشت - واگذار می‌شد. به عنوان مثال شخصی به نام ابراهیم‌خان سرتیپ مدت زمانی حاکم جیرفت، رودبار و جبالبارز و مدتی ضابط بم و نرماشیر بود.^{۵۱} در تاریخ پس از مشروطه کرمان، میرزا حسین‌خان اسفندیاری معروف به عدل‌السلطنه (سردار نصرت) شهرت بسیاری در تاریخ سیاسی کرمان دارد و غلامحسین عامری معروف به سردار مجلل نیز در بم و نرماشیر قدرت داشت. از سرهنگ نیز، به عنوان یکی از فرماندهان نظامی فوج نام برده‌اند.^{۵۲} توپچی (نایب توپخانه)، مسئولیت مراقبت، ایجاد نظم، استفاده و تعمیر توپ‌ها را بر عهده داشت.^{۵۳} مسئولیت مشق و آموزش نظامیان - از جمله سربازان - بر دوش مشاق بود.^{۵۴} لشکرنویس پرداخت مواجب و مقرری نظامیان را انجام می‌داد.^{۵۵} از یاور تحت عنوان یاور قورخانه و توپخانه و مأمور تهیه مهمات و از سلطان - بدون توضیح کافی مسئولیت - به عنوان سلطان قورخانه یاد شده است.^{۵۶}

سربازان بنا بر نیاز از میان جوانان باهوش، خوش اندام و ورزیده شهرها و حومه‌های شهری و روستاها و بیشتر با سهمیه‌بندی مشخص انتخاب می‌شدند. آنان پس از استقرار در سربازخانه و قراولخانه و ملبس شدن به اونیفورم نظامی، جهت آمادگی کافی و لازم تحت آموزش نظامی قرار می‌گرفتند.^{۵۷} با سربازان فراری و خانواده‌های آنها به شدت برخورد می‌شد. در صورت عدم مراجعه فراریان خانواده‌های آنان را با کوچاندن و نفی بلد و یا سوزاندن منازل مسکونی مجازات می‌کردند.^{۵۸}

فوج به عنوان بزرگترین واحد و دسته نظامی در مرکز ولایت استقرار داشت و متناسب با نیاز، جهت مانور نظامی، ایجاد امنیت و برخورد با اشرار و عوامل ناامنی - به ویژه به جنوب ولایت و نیز بلوچستان - مأمور و اعزام می‌شد. در برخی شرایط و مواقع، هم‌زمان چندین فوج نظامی در مرکز

۵۱. همان، نمره ۲۹۹، سال ۴۸۹ق؛ نمره ۳۹۷، سال ۱۲۹۶ق.

۵۲. روزنامه ایران، نمره ۵۲۴، سال ۱۳۰۰ق.

۵۳. همان، نمره ۴۹۶، سال ۱۲۹۹ق.

۵۴. همان، نمره ۵۹۳، سال ۱۳۰۳ق.

۵۵. همان، نمره ۳۰۹، سال ۱۲۹۴ق.

۵۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۹۲، سال ۱۲۷۱ق؛ همان، نمره ۷۲، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۲۷، سال ۱۳۰۰ق؛

روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۵۰، سال ۱۲۸۰ق.

۵۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۷۶، سال ۱۳۰۱ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۲۴، سال ۱۳۰۰ق؛ نمره ۷۳، سال ۱۲۶۸ق.

۵۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۰۱، سال ۱۲۷۱ق.

ولایت مستقر بود. از فوج‌های مزبور با عناوین شوکت، خلع، قدیم، قراگزلو، بهادران تبریز، ملایر، توپسرکان، راینی و سیستانی، اول کرمان و دوم کرمان یاد شده است،^{۵۹} با توجه به عناوین فوج‌ها، استنباط می‌شود که برخی از آنان، بر مبنای هویت شهری و قبیله‌ای مشخص، و به عنوان مأموریت موقت به ولایت کرمان اعزام شده‌اند. هر فوج متشکل از سواره نظام، پیاده نظام و توپخانه بود.^{۶۰} برخی مهمات و نیازهای جنگی فوج‌های مزبور مانند گلوله توپ و فشنگ در حوزه ولایت کرمان ساخته و آماده می‌شد.^{۶۱}

میزان جیره، موجب و سیورسات نظامیان به دقت مشخص نیست. موعد و زمان پرداخت مقرری نیز همراه با نظم و ترتیب مطلوب نبوده است. مقرری با نظارت و حضور لشکرنویس پرداخت و از افراد قبض پا به مهر دریافت می‌شد. منابع پرداخت مقرری در بوته ابهام قرار دارد و تنها در یک گزارش، درآمد ناشی از خالصه‌جات دولتی به عنوان منبع پرداخت ذکر شده است.^{۶۲} نظامیان گاه به فراخور لیاقت، ابراز رشادت و وفاداری مورد التفات مقامات پایتخت و والی قرار می‌گرفتند. چنانچه افرادی از آنان در راستای انجام وظیفه به قتل می‌رسیدند، مسئولان خانواده و بازماندگان‌شان را به عواطف و کمک مالی دولت امیدوار می‌کردند.^{۶۳}

مقوله امنیت عمومی

کرمان در دوره قاجاریه مانند گذشته تاریخی خود، به دلیل قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری و زیارتی نقش مهمی در داد و ستد کالا داشت و از این رو برقراری امنیت در جاده‌ها از مهم‌ترین مسائلی بود که حکمرانان قاجاری کرمان می‌بایست مورد توجه قرار دهند. گزارش‌های روزنامه‌های این دوره گواهِ آن دارد که حاکمیت کرمان به ایجاد امنیت در راه‌های زیارتی کرمان - مشهد و راه‌های مواصلاتی و تجاری یزد - کرمان، فارس - کرمان، بندرعباس - کرمان و سیستان و بلوچستان - کرمان اهتمام ویژه داشته است. اما راهزنان و اشرار نیز کمابیش فعال بوده، و موجبات سلب آسایش و آزار زائران و تاجران را فراهم ساخته و اموال آنها را به یغما می‌برده‌اند. در عوامل

۵۹. همان، شماره ۲، سال ۱۲۶۷ق؛ نمره ۱۸۲، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۱۰۷، سال ۱۲۶۹ق؛ *روزنامه ایران*، نمره ۴۷۴، سال ۱۲۹۹ق.

۶۰. همان، نمره ۶۱۹، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۵۴۳، سال ۱۳۰۷ق؛ *روزنامه وقایع اتفاقیه*، نمره ۱۰۴، سال ۱۲۶۹ق.

۶۱. *روزنامه ایران*، نمره ۳۱۶، سال ۱۲۷۳ق؛ *روزنامه وقایع اتفاقیه*، نمره ۱۹۲، سال ۱۲۷۱ق.

۶۲. همان، نمره ۳۵۱، سال ۱۲۷۴ق؛ نمره ۲۸۸، سال ۱۲۷۲ق؛ نمره ۲۱۵، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۶۳، سال ۱۲۶۸ق؛ نمره ۲۱۵،

سال ۱۲۷۱ق.

۶۳. همان، نمره ۱۷۲، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۳۵۱، سال ۱۲۷۴ق.

نامنی راه‌ها، به طور مشخص بیشتر از اشرا بلوچ و در معدودی گزارش‌ها از طایفه زرگری ساکن در فارس یاد شده است. کارگزاران ولایت در جهت امنیت راه‌ها به اقدام‌ها و روش‌هایی چون: استقرار قراولخانه‌ها و محافظان مجهز به اسلحه و تفنگ و گماشتن شترسواران مسلح و در حال گشت در مسیر راه‌ها و گلوگاه‌های حساس و همراه کردن تفنگچیان مسلح با زور و تجار در طول سفر مبادرت می‌کردند.^{۶۴}

در مقابله با راهزنان و اشرا، سعی جدی بر دستگیری آنها بود. لیکن این اقدام به راحتی تحقق نمی‌یافت. به عنوان مثال تعقیب و توفیق حاکمیت در دستگیری و تنبیه یاغیانی چون قنبر یاغی، کریم رودباری و پهلوان دادعلی مدت‌ها به طول انجامید. مرتکبین به قتل و غارت را پس از دستگیری و استرداد اموال مسروقه، منوط به ابعاد جرم، به حبس و قتل محکوم می‌کردند.^{۶۵} متهمان علیه حکومت، در صورت اظهار پشیمانی، ندامت، درخواست تأمین و اظهار وفاداری مورد التفات و مرحمت قرار می‌گرفتند و حتی به آنها هدایایی نیز تقدیم می‌شد. چنانچه خوانین، رؤسا و افراد صاحب نفوذ محلی موجبات امنیت را در منطقه نفوذ خود فراهم می‌ساختند، والی طی مراسمی ویژه آنها را در مقر ولایت با استقبال و پذیرایی گرم، اعطای خلعت و هدیه مورد تشویق قرار می‌داد.^{۶۶}

مقابله با عوامل ناامنی اجتماعی یکی از وظایف مهم والی تلقی می‌شد. این امر مهم به دستیاران حاکم (کدخدایان، کلانتران و داروغه‌ها) واگذار می‌شد. آنان موظف به مقابله و دستگیری عوامل ناامنی، همانند سارقان، اوباش، زورگیران و دیگر مزاحمان بودند.^{۶۷} حضور و اقدام مقامات یاد شده

۶۴ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۷۶، سال ۱۲۷۲ق؛ همان، نمره ۲۳۹، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۲۱۳، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۱۷۱، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه ایران، نمره ۲۹۲، سال ۱۲۹۳ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۴، سال ۱۲۷۸ق؛ همان، نمره ۵۴۷، سال ۱۲۸۰ق.

۶۵ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۱۲، سال ۱۲۷۱ق؛ همان، نمره ۱۱۴، سال ۱۲۶۹ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۷۸، سال ۱۳۰۲ق؛ همان، نمره ۵۵۸، سال ۱۳۰۲ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۷۷، سال ۱۲۷۷ق.

۶۶ روزنامه ایران، نمره ۲۶۹، سال ۱۲۹۲ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۹۵، سال ۱۲۷۳ق؛ همان، نمره ۶۱، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۲، سال ۱۲۷۸ق. به عنوان نمونه درباره مسأله فوق در روزنامه وقایع اتفاقیه چنین آمده است: «... عالیجاه دین محمدخان که [از] از اجله و رؤسای بلوچستان و صاحب طایفه و قبیله معظم می‌باشند؛ این روزها برای اظهار مراتب خدمتگذاری و اطاعت و انقیاد این دولت قوی مملکت به کرمان آمده و قریب‌الورود بوده است. محمدحسن خان سردار و حاکم یزد و کرمان به جهت مزید و امیدواری او، آدمی به جهت مهمانداری فرستاده که او را با عزاده توپ وارد نمایند.» روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۲۹، سال ۱۲۶۹ق.

۶۷ همان، نمره ۲۷۶، سال ۱۲۷۲ق؛ نمره ۲۹۵، سال ۱۲۷۵ق؛ نمره ۱۱۸، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۷۹، سال ۱۲۷۷ق؛ همان، نمره ۴۹۲، سال ۱۲۷۷ق.

بدان معنا نبود، که به طور حتم و همیشه، موجبات امنیت در این عرصه فراهم شود. اما حاکمیت نیز کمابیش برای استقرار امنیت در حوزه‌های درون شهری و برون شهری فعال و کوشا بود. مالکیت شخصی افراد در برابر اراده و خواست مقامات عالیّه ولایت - از جمله والی - استحکام لازم را نداشت. به عنوان مثال چنانچه والی و دیگر مقامات مهم مملکتی و ولایت به شهرهای تابع و زیرمجموعه ولایت مسافرت می‌کردند؛ به دستور حاکم و یا دیگر صاحب‌منصبان محلی و منطقه‌ای، اهالی به اجبار خانه‌های مسکونی خود را تخلیه و مجانی در اختیار غلامان و همراهان آنان قرار می‌دادند. گرچه در زمان فرمانروایی محمدحسن خان سردار ایروانی اقدام مزبور منع شد. او طی دستورالعملی به سال ۱۲۶۹ قمری اعلام کرد که سکونت همراهان مقامات در منازل مردم منوط به رضایت و پرداخت اجاره‌بها به آنهاست.^{۶۸} دستورالعمل مزبور، از آن پس تا حدی مورد توجه مسئولان قرار گرفت.^{۶۹}

مقامات دینی و امور مذهبی

مجتهد، امام جمعه و شیخ‌الاسلام از شخصیت‌ها و مقامات عالیّه مذهبی ولایت بودند. امام جمعه و شیخ‌الاسلام به طور مستقیم توسط شاه منصوب می‌شدند. از مجتهدان مقیم در شهر کرمان در دوره مظفرالدین شاه آقا سیدعباس و حاج میرزا محمد رضا^{۷۰} شهرت دارند. امامان جمعه، شیخ‌الاسلام‌ها و مجتهدان مورد عنایت، احترام و توجه مردم و حاکمیت قرار داشتند و از هدایای شاه نیز بهره‌مند می‌شدند.^{۷۱}

حاج سیدجواد و پسرش سیدجلال‌الدین در زمان ناصرالدین‌شاه امامت جمعه شهر کرمان را عهده‌دار بودند. سیدجواد به لحاظ کهولت سن از شاه درخواست کرد تا فرزندش (جلال‌الدین) را - که به زیور زهد و صلاح آراسته است - به جانشینی‌اش انتخاب نماید. پیشنهاد مزبور مورد تأیید شاه قرار گرفت. پادشاه به هنگام انتصاب ائمه جمعه، گاه در حین انجام وظیفه، آنان را با ارسال خلعت و هدیه مورد تشویق، دلگرمی و عنایت خاصّه قرار می‌داد. هدایای مزبور در منزل والی و در حضور

۶۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۴، سال ۱۲۶۹ ق.

۶۹. روزنامه ایران، نمره ۲۶۹، سال ۱۲۹۲ ق.

۷۰. مسأله حضور حاج میرزا محمد رضا و نقش او در تنش‌های کرمان پیش از مشروطه که خود از عوامل مؤثر در پیشبرد حوادث آن زمان است، خود بیان‌کننده نقش مجتهدان در کرمان در عصر قاجاریه است. میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶)، ص ۷۳ - ۷۲.

۷۱. نشریه تربیت، نمره ۴۱۸، سال ۱۳۲۲ ق.

علماء و رجال شهر به آنان تقدیم می‌شد.^{۷۲} از نحوه عملکرد و فعالیت‌های شرعی و مذهبی ائمه جمعه ولایت مورد بحث، گزارش قابل توجهی منعکس نشده است.

شیخ‌الاسلام از دیگر شخصیت‌های مورد احترام و مؤید حکومت در مرکز ولایت بود. در گزارش‌های موجود پیرامون وظایف و فعالیت‌های شیخ‌الاسلام در شهر کرمان، به جز مسلمان شدن معدودی از پیروان اقلیت زرتشتی به دست او، مطلب قابل و ارائه دیگر مشاهده نگردید.^{۷۳}

از جمله موارد منعکس شده در روزنامه‌ها، گرایش افرادی از اقلیت زرتشتی مقیم کرمان به دین اسلام است. مسلمانی آنان منوط به رعایت شروطی چون اظهار رضایت و رغبت، و عدم برگشت به دین سابق مقبول واقع می‌شد. نومسلمانان تا حدودی از تشویق، محبت و حمایت حاکمیت برخوردار می‌شدند. از جمله موارد تشویقی و حمایتی، اعزاز مجانی به مشهد مقدس، و پرداخت یک ساله مخارج خانوادگی به آنها بود. نومسلمانان در ترغیب و متمایل کردن دیگر بستگان زرتشتی خود به اسلام مؤثر واقع می‌شدند.^{۷۴}

با طرفداران مسلک بایبه، و از جمله دانایان و مبلغان آن، مقابله می‌شد.^{۷۵} چنانچه افرادی بیشترین آنها مهاجر و غیر کرمانی بودند، با شیادی، در کسوت زهد، ملایی و اهل علم درمی‌آمدند، ادعای آنها در محضر علما و مقامات مذهبی شهر مورد بررسی قرار می‌گرفت. چنانچه از عهده پرسش‌های طرح شده و اثبات جایگاه علمی - مذهبی خود بر نمی‌آمدند خلع لباس و اخراج می‌شدند.^{۷۶}

عزاداری امام حسین (ع)، هر سال در دهه نخست ماه محرم، با شور خاص برگزار می‌شد. در شهر کرمان، با همیاری مقامات دولتی تکیه عزاداری به گونه‌ای موقت در میدان ارگ برپا می‌گردید. دسته‌جات سینه‌زن از محله‌های مختلف به مقصد تکیه حرکت می‌کردند. گاه در نتیجه ازدحام جمعیت، محدود بودن تکیه، تداخل و بی‌نظمی دسته‌جات، عده‌ای زیر دست و پا له، زخمی و حتی بدرود حیات می‌گفتند.^{۷۷}

۷۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۷۴، سال ۱۲۷۴ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۸۲، سال ۱۲۷۷ق.

۷۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۱۷، سال ۱۲۷۵ق.

۷۴. همان، نمره ۲۰۶، سال ۱۲۷۱ق.

۷۵. همان، نمره ۱۶۳، سال ۱۲۷۰ق.

۷۶. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۴، سال ۱۲۷۸ق.

۷۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۶، سال ۱۲۶۹ق. در مراسمی پیرامون عاشورای سال ۱۲۶۹ قمری آمده است: «... بدین سبب [حضور دسته‌جات سینه زن و عزاداران حسینی]، شورش و ازدحام زیادی شده؛ کوچه و تکیه گنجایش آن همه جمعیت را نداشت. شش نفر از طفل و پیر در آن روز زیر دست و پا مانده بودند. خبر به امیرالامراء العظام مقرب‌الخاقان محمدحسن‌خان سردار، حکمران یزد و کرمان رسیده بود؛ فی‌الوقت حکیم صاحب را فرستاده که آنها را معالجه کند. و از قراری که نوشته بودند، چهار نفر از آنها را قصد کرده، خوب و به حال آورده بود؛ و سه نفر دیگر مرده بودند. مقرب‌الخاقان مشارالیه وجه معتد بهی از خود به ورثه آن سه نفر که هلاک شده بودند، داده بود.»

خدمات شهری و روستایی

ساخت و تعمیر قلعه‌ها، کاروانسراها، رباطها و برج و باروها در مرکز حکومتی ولایت، شهرها و جاده‌ها به عنوان وظیفه و مسئولیت متعارف، مورد توجه و در دستور کار والی و وزیر او قرار داشت. در روزنامه‌های مورد بررسی از دو مهندس به نام‌های عباسقلی‌خان و کاستکرخان - بدون معرفی ماهیت دینی و ملی وی - یاد شده، که به فرمان مقامات یاد شده و با گروهی از بناها، کوره‌پزها و سایر خدمه و عملجات مورد نیاز، به ساخت بناهای جدید و تعمیر بناهای قدیم مورد اشاره اشتغال داشته‌اند.^{۷۸}

عنایت و همکاری در احداث، تعمیر و لایروبی قنوات، به منظور استفاده در مزارع، باغات و آب شرب از دیگر اقدام‌های عام‌المنفعه حکومت در عرصه خدمات شهری و روستایی بود. به منظور تشویق مردم، والی بارها اعلام کرد که هر کس قنوات جدید احداث، و یا قنوات قدیم را تعمیر و لایروبی و مبادرت به احیاء اراضی نماید، به مدت ده سال از پرداخت مالیات به دولت معاف خواهد بود.^{۷۹}

از دیگر امور خدماتی در عرصه شهری و روستایی، که حاکمیت به ساخت و تعمیر آنها مبادرت ورزیده می‌توان به ساخت، گسترش و تعمیر بازار، به ویژه بازار گنجعلیخان در شهر کرمان، قیصریه بسم و بازار سیرجان، ساخت و تعمیر چاپارخانه در مسیر راه‌ها و از جمله در سرحدات، احداث خیابان‌های جدید و توسعه خیابان‌های قدیم، تعمیر مساجد جامع، تعمیر بقاع، تعمیر حمام‌ها، ساخت و تعمیر مکان‌های مورد نیاز نظامیان (سربازخانه، قورخانه، توپخانه و اسطبل اسبان)، ساخت و احداث آب‌انبارها، احداث میدان‌های بزرگ و کوچک، کاشت درختان و از آن میان درختان میوه، در شهرها و بلوکات، و به طور ویژه در شهر کرمان و حومه آن اشاره کرد.^{۸۰}

مجموعه گزارش روزنامه‌ها در این عرصه دلالت بر آن دارد که حاکمیت نسبت به ارائه خدمات شهری و روستایی و امور مورد نیاز مردم کمابیش بذل توجه کرده و آن را در زمره وظایف ذاتی

۷۸. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۳۹۸، سال ۱۲۷۵ق؛ نمره ۵۴۶، سال ۱۲۸۰ق؛ نمره ۵۵۰، سال ۱۲۸۰ق؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۰۸، سال ۱۲۹۶ق؛ نمره ۱۲۳، سال ۱۲۹۶ق؛ نمره ۳۹۸، سال ۱۲۷۵ق؛ روزنامه ایران، ۴۳۷، ۱۲۹۷ق؛ نمره ۵۷۴، سال ۱۳۰۲ق؛ نمره ۳۰۰، سال ۱۲۹۳ق.

۷۹. همان، نمره ۵۵، سال ۱۲۶۸ق؛ نمره ۲۶۵، سال ۱۲۷۶ق؛ نمره ۳۹۸، سال ۱۲۷۵ق؛ نمره ۴۶۵، سال ۱۲۷۶ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۳۱، سال ۱۲۷۹ق.

۸۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۰۵، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۲۷۴، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۳۹۸، سال ۱۲۷۵ق؛ نمره ۲۷۴، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۱۱۷، سال ۱۲۶۹ق؛ روزنامه ایران، نمره ۳۳۱، سال ۱۲۹۴ق؛ روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۴۶، سال ۱۲۸۰ق؛ نمره ۵۵۰، سال ۱۲۸۰ق؛ نمره ۵۱۰، سال ۱۲۷۸ق؛ نمره ۵۳۱، سال ۱۲۷۹ق.

خود می‌پنداشته است. تردیدی نیست که کارکردها و ارائه خدمات مزبور موجبات رفع کامل نیاز عمومی را فراهم نمی‌ساخته و از سویی کمبودهای موجود در این عرصه کمتر در روزنامه انعکاس می‌یافته است.

اوضاع جوی، حوادث و امور غریبه (خارق‌العاده)

از مواردی که مکرر روزنامه‌ها بدان توجه کرده‌اند، نزولات آسمانی و تأثیر آن در زندگی روزمره مردم است. گزارش‌ها دلالت بر آن دارد که بارش برف و باران موجب شعف و شادی مردم بوده است؛ گرچه در مواردی بارش‌های شدید و سیل آسا، تگرگ، سرما و برف خسارت‌های جانی، مالی و اقتصادی جبران‌ناپذیری در پی داشته است.^{۸۱}

از حوادث طبیعی و غیرطبیعی به وزش طوفان‌های مخرب، زلزله و تلفات ناشی از آن، خشک‌سالی، ملخ‌خواری و زنگ‌زدگی محصولات، آتش‌سوزی، ماندن افرادی در زیر آوار، قتل سرد و گرم، گزیدگی مار و عقرب، خفه شدن افرادی در قنات و در خزانه حمام می‌توان اشاره کرد.^{۸۲} واکنش کارگزاران ولایت در ارتباط با خسارت‌ها، همراه با اظهار تأسف، ابراز همدردی و تلاش و مقابله در حد امکان، با پی‌آمدهای حوادث مزبور بود.

روزنامه به امور خارق‌العاده، یا به تعبیر آن عصر «امور غریبه» نیز توجه ویژه مبذول داشته‌اند. گزارش‌گران در حوزه انسانی و مردم، به تولد نوزادان ناقص‌الخلقه، و دارای مشخصه‌هایی چون داشتن سه سر، هشت دندان، دو سر و تن متصل به هم از شکم، دو سر و چسبیدن سرها در سینه، داشتن دو دندان و چشم‌هایی در پیشانی، و نیز در یک مورد به نبوغ و استعداد فوق‌العاده کودکی شش ساله اشاره کرده‌اند.^{۸۳}

در ارتباط با حیوانات اهلی و خانگی، نمونه‌های خارق‌العاده‌ای چون تولد بره‌ای با چهار پا، دو آلت، دو موضع دفع و دو دنبه، تولد بزغاله‌ای با دست و پایی شبیه سگ، تولد جوجه‌ای با دو سر، و

۸۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۲۳، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۴۶۵، سال ۱۲۷۶ق؛ نمره ۳۱۳، سال ۱۲۷۶ق؛ نمره ۱۶۸، سال ۱۲۷۰ق؛ روزنامه ایران، نمره ۵۰۷، سال ۱۳۰۰ق؛ نمره ۵۴۷، سال ۱۳۰۱ق؛ نمره ۳۴۴، سال ۱۲۹۵ق؛ نمره ۴۸۴، سال ۱۲۹۹ق.

۸۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۶۱، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۲۰۱، سال ۱۲۷۱ق؛ نمره ۱۳۱، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۱۶۲، سال ۱۲۷۰ق؛ نمره ۱۱۷، سال ۱۲۶۹ق؛ نمره ۲۲۷، سال ۱۲۷۱ق؛ روزنامه ایران، نمره ۶۳۱، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۲۵۵، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۶۲۷، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۳۵۲، سال ۱۲۹۵ق؛ نمره ۶۱۸، سال ۱۳۰۴ق؛ نمره ۳۰۰، سال ۱۲۹۳ق.

۸۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۶۰، سال ۱۲۶۸ق؛ نمره ۱۲۳، سال ۱۲۶۹ق؛ روزنامه ایران، نمره ۲۷۰، سال ۱۲۹۲ق؛ نمره ۳۶۴، سال ۱۲۹۵ق.

در هر سر سه چشم و سه منقار مورد گزارش قرار گرفته است.^{۸۴}

جشن‌ها و مراسم شاد

از مراسم شاد و جشن‌های عمومی، مکرر به آئین‌بندی، چراغانی کردن شهر و بازار، آتش‌بازی، پایکوبی، شلیک توپ و پخش شربت و شیرینی در سالگرد تولد شاه (ناصرالدین شاه) اشاره شده است. مراسم مزبور به مدت سه شبانه‌روز ادامه می‌یافت؛ و در اختتام آن، ضمن قرائت و ادای خطبه به نام شاه، برای بقای عمر و سلطنت او دعا می‌شد.^{۸۵}

از جمله جشن‌ها و مراسم دیگر، برپایی مفصل جشن عید نوروز، و گاه جشن پیروزی بر دشمنان و یاغیان حکومت بود. این مراسم نیز با چراغانی کردن شهر و بازار، پایکوبی و شلیک توپ برگزار می‌شد.^{۸۶}

نتیجه‌گیری

در بسیاری از روزنامه‌ها و محدود جراید دولتی و رسمی منتشرشده در دوره قاجار پیش از مشروطه، و از آن میان در عصر ناصری، به اختصار اوضاع، مسائل، رخدادها و حوادث ولایت پهناور کرمان، سیستان و بلوچستان کمابیش انعکاس دارد. در بررسی داده‌های موجود مباحث و موضوعات متعدد و گوناگونی چون مقامات حکومتی و مسئولیت‌ها، امور اقتصادی، امور قضایی و دادرسی، امور نظامی، اوضاع پزشکی و بهداشتی، مقوله امنیت عمومی، مقامات دینی و امور مذهبی، خدمات شهری و روستایی، اوضاع جوی، حوادث و امور غریبه، جشن‌ها و مراسم شاد قابل تأمل و توجه است. مطالب و موضوعات به طور عمده حول محور کارگزاران ولایت - به ویژه والی - و اقدام‌های آنان بیان و مطرح شده‌اند. به دلایلی چون دولتی بودن، ایجاز و پراکندگی گزارش‌ها، نمی‌توان توصیف و تبیین جامع و مانعی از امور، موضوعات و وقایع مورد بحث ارائه کرد. خلایی که برای پر کردن آن، مراجعه به دیگر منابع معتبر دوره قاجار، و انجام یک پژوهش مستقل ضرورت پیدا می‌کند. در روزنامه‌های مورد بررسی پیرامون امور آموزشی، تربیتی، فرهنگی و وضعیت عشایر - که درصد قابل توجهی از جمعیت ولایت کرمان را تشکیل می‌داده‌اند - مطلب قابل توجه و ارائه مشهود نیست.

۸۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۲۳، سال ۱۲۹۶ق؛ نمره ۶۰، سال ۱۲۶۸ق؛ روزنامه ایران، نمره ۴۵۰، سال ۱۲۹۸ق.

۸۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۵۱، سال ۱۲۷۴ق؛ نمره ۴۴۶، سال ۱۲۷۶ق.

۸۶. همان، نمره ۱۶۶، سال ۱۲۶۸ق.

این نشان دهنده آن است که اخبار روزنامه‌ها بیشتر مسائل مربوط به شهرها را در بر می‌گرفت. از دیگر سو دستاورد مهم این تحقیق آن است که در کنار منابع تاریخی و اسناد، روزنامه‌ها بازگوکننده بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ولایات هستند، اگرچه در دوره قاجاریه و به‌ویژه پیش از مشروطه روزنامه‌ای که مختص ولایتی چون کرمان باشد، منتشر نمی‌شد؛ اما در روزنامه‌های کشوری هم بسیاری از مسائل مربوط به این ولایت مورد توجه قرار گرفته است.

کتابنامه

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. فرمانفرمای عالم. تهران: علمی، ۱۳۶۴.
- روزنامه ایران. ج ۱، ج ۲، ج ۳. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
- _____ ج ۴. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- _____ ج ۵. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
- روزنامه دولت علیه ایران. ج ۱. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- _____ ج ۲. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. ج ۱، ج ۲، ج ۳. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.
- _____ ج ۴. تهران: ۱۳۷۴.
- سپهر، عبدالحسین خان. مرآت‌الوقایع مظفری. ج ۱. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- نشریه تربیت. ج ۱. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- _____ ج ۲، ج ۳. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.
- کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ج ۲. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: مؤسسه انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- وزیری، احمدعلی خان. تاریخ کرمان. ج ۲. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علمی، ۱۳۷۵.